

به نام خداوند جان و خرد

در خاور میانه چه میگذرد؟

اطلاعاتی اوبود از این موقعیت نارضایتی های مردم استفاده نمود وبا یک کودتا زمام امور تونس را در اختیار گرفت . بن علی از بیست و سه سال قبل رئیس جمهور تونس بوده است . ولی داستانی شبیه حکومت بورقیبه در مورد اونیز تکرار شد باز هم به تدریج سقوط در ورطه فساد مالی و ثروت اندوزی و به دنبال آن گرایشات استبدادی و دیکتاتوری و ظلم و بی عدالتی . مردم تونس بعلت موقعیت جغرافیائی خاص و مجاورت با اروپا و مرادوت با اروپائیان از سطح دانش و فرهنگ بالائی برخوردارند . افراد تحصیل کرده در میان آنان زیاد است ونسبت بیسوادى اندک . در آمد سرانه مردم تونس حدود ده هزار دلار است که علی القاعده میتواند زندگی نسبتا مرفهی را برای آنان فراهم نماید . ولی فساد مالی حکومتگران ، عدالت اجتماعی را از بین برده وتوزیع نا عادلانه ثروت همراه استبداد و ظلم رژیم برای مردم قابل تحمل نبود . و یک جرقه توانست جامعه آنان را منفجر نماید . وقتی یک جوان تحصیل کرده بیکار به ناچار مجبور به پهن کردن بساط سبزی فروشی گردید وعوامل حکومت بساط او را بهم ریختند و در مقابل اعتراض وی ، او را مورد ضرب وشتم و اهانت قرار دادند ، او از شدت نا امیدی وعصبانیت خود را به آتش کشید وبه دنبال آن پایه های بنای حکومت استبدادی تونس نیز توسط مردم به خشم آمده به آتش کشیده شد . هزاران نفر از مردم ناراضی به حمایت از «ابوعزیز» واعترض به حکومت به خیابان ها ریختند وروز به روز وساعت به ساعت بر شدت اعتراض آنها وسطح مطالباتشان افزوده گردید وپس از حدود یک ماه مبارزه مردم و کشته شدن حدود هشتاد نفر و زخمی شدن صدها نفر در خیابان ها سرانجام در روز ۲۵ دیماه بن علی دیکتاتور فاسد تونس فرار کرد وبه عربستان گریخت و مردم تونس موافقت کردند تا یک دولت موقت امور حکومت را اداره نماید وظرف مدت دو ماه با انجام انتخابات آزاد ، دولت منبعث از آراء مردم را بر اریکه قدرت بنشانند . با پیروزی ملت تونس جنبش آزادیخواهانه و عدالت طلبانه آنان به سایر کشورهای خاور میانه سرایت نموده و امروز شاهدیم که ناقوس آزادی در تمام کشورهای منطقه به صدا در آمده است وملت های تحت ستم حکومت های دیکتاتوری و استبدادی وابسته به استعماریکی پس از دیگری بر میخیزند وفارغ از هر گونه گرایش ایدئولوژیک ، ندای آزادی واستقلال وعدالت سر میدهند . امروز ملت مصر در پیشاپیش این جنبش عظیم منطقه ای قرار دارد وخواستار پایان دادن به حکومت استبدادی برخاسته از انتخابات قلابی است . واکنون مردم مصر در هنگام رقم خوردن این سطور پس از چندین روز مبارزه شبانه روزی و دادن صدها نفر کشته موفق شدند حسنی مبارک دیکتاتور مصر را ناگزیر به دادن استعفا و کنار رفتن از قدرت نمایندند . بدنبال مصر ملت های یمن ، اردن ، الجزایر و سوریه جنبش خود را آغاز نموده اند . فردا نوبت کجاست ؟ امید آنکه این ملت های به پا خاسته هوشیار باشند و در دام نیرنگ های استعماری ومناقشات بین آنها گرفتار نشوند و از چاله یک حاکمیت استبدادی وابسته به استعمار ، به چاه یک حکومت استبدادی از قبل طراحی شده دیگر سقوط نکنند وبدانند که تنها راه رهایی و اعتلا دموکراسی است وبس .

خاور میانه از نظر جغرافیائی منطقه ایست حساس و استراتژیک که حاوی بخش عظیمی از منابع انرژی جهان است در نتیجه منطقه ایست ثروتمند که میتواند بازار بسیار جذابی برای کشورهای صنعتی و قدرت های اقتصادی دنیا تلقی شود . به همین دلیل است که جای پای این قدرت ها از دیر باز در کشورهای منطقه خاور میانه قابل ردیابی است . در راس این قدرت های استعماری باید از انگلیس و فرانسه نام برد که اندک زمانی پس از جنگ بین المللی اول واضمحلال امپراطوری عثمانی در پشت میز مذاکره یا بهتر است گفته شود پشت میز معامله ، نقشه منطقه خاور میانه را پهن کرده و منطقه را به دو حوزه نفوذ بین خود تقسیم کردند . در کنار این دو قدرت اروپائی ، سایر کشورهای کوچکتر اروپا نیز کوشیدند تا حتی المقدور نفوذ و منافعی در این منطقه برای خود دست و پا کنند . اتحاد جماهیر شوروی سابق هم به روال خود از طریق ایجاد و خط دادن به احزاب کمونیست دست نشانده خود کوشید در کشورهای خاور میانه برای خود جای پائی بیاید . پس از جنگ جهانی دوم آمریکا نیز بعنوان ابر قدرتی که تا قبل از جنگ بیشتر توجه به درون قاره خود داشت و کمتر سبقه استعماری از آن دیده شده بود تمایل به نفوذ در این منطقه را از خود نشان داد . حمایت از تشکیل دولت اسرائیل ومشارکت در کودتای طراحی شده توسط استعمار پیر انگلیس در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق در ایران جزو اولین تحرکات چشم گیر آمریکا در منطقه بود . طبیعی است که همه این قدرت های فرا منطقه ای برای ایجاد وحفظ منافع برای خود در کشورهای منطقه در رقابت با یکدیگر بوده وبه یک جنگ پنهان ومناقشه نا پیدا مشغول بوده وباشند . و طبیعی است که برای حفظ نفوذ و منافع خود در این کشور ها رژیم های دیکتاتوری وفاسد و دست نشانده خلق نموده واز آنها حمایت نمایند . حکومت های جمهوری مادام العمر و بعضا جمهوری موروثی و حکومت های سلطنتی مطلقه موروثی و امارت شیوخ به شیوه های قرون وسطائی از این دست اند . ولی امروز در قرن بیست و یکم وعصر ارتباطات و آگاهی ملت های تحت ستم ، تحولات و تغییرات در منطقه همانگونه که شاهدیم اجتناب نا پذیر است . اولین طنین ناقوس تحول در تونس به صدا در آمد . تونس کشوری است در شمال آفریقا در کنار دریای مدیترانه با جمعیتی حدود ده میلیون نفر . سالها زیر سلطه اسپانیا بوده وبعد فرانسوی ها جانشین اسپانیا شده وتونس را تحت استعمار خود در آوردند . بالاخره در سال ۱۹۵۴ جنبش استقلال طلبانه ملت تونس به رهبری حبیب بورقیبه به پیروزی رسید . عمل کرد حکومت بورقیبه در سالهای نخست تا حدی قابل قبول بود . آزادیهای اساسی مردم تونس را محترم میشمرد واقدماتی در جهت سازندگی وبالا بردن سطح زندگی مردم انجام داد . ولی به تدریج فساد مالی و ثروت اندوزی در او و اطرافیان وبستگانش بروز کرد وبدیهیست که بدنبال این فسادها ، تمایلات استبدادی و گرایشات دیکتاتوری نیز رخ مینماید . به همین جهت زمینه های نارضایتی در جامعه تونس پدیدار گردید . در سال ۱۹۸۷ زین العابدین بن علی که در حکومت بورقیبه اداره کننده بخش نظامی

آیا این فقر گسترده در کشور ما پذیرفتنی است؟

بازارهای ایران را اشغال کرده است جز سودرسانی به واردکنندگان کلان که وابستگان به حکومتند و رشوه دادن به چین برای حمایت از حاکمیت جمهوری اسلامی در مجامع جهانی چه توجیهی میتواند داشته باشد؟ در حالی که در هر بزنگاه حساس هم شاهد شانه خالی کردن چین از حمایت های مورد انتظار جمهوری اسلامی هستیم. در سایه حاکمیت ملی است که در مورد صنعت توریسم در جهان سهم شایسته ی نصیب ایران میگردد. در سایه حاکمیت ملی و برقراری دموکراسی است که از غارت ثروت های مردم توسط وابستگان به قدرت سیاسی جلوگیری میشود و فساد مالی گسترده ای که گاهی مشتی از خروار آن در گیر و دار اختلافات داخلی جناح های درون حاکمیت از پرده بیرون میافتد برچیده میشود و ثروت های مردم برای مردم و برای رفاه و آسایش آنها هزینه میگردد. در سایه حاکمیت ملی است که اموال و داراییهای این ملت در اینجا و آنجا بیهوده بذل و بخشش نمیگردد و پول این مردم فقیر در کشورهای آمریکای لاتین و نوار غزه و حزب الله لبنان و عراق و افغانستان و جاهای دیگر برای محاسبات اشتباه و افکار واهی هزینه نمیگردد.

در سایه حاکمیت ملی و برقراری دموکراسی است که هزینه سنگین تهیه ابزار سرکوب و استخدام نیروهای سرکوب گر و مزدور برای سرکوب مردم به سوی هزینه های رفاهی مثل هزینه درمان و آموزش و پرورش چرخش مینماید. در نتیجه به ضرس قاطع میتوان گفت که این فقر گسترده، بیکاری، تورم و گرانی روز افزون، مفسد اجتماعی و اعتیاد و دیگر نابسامانی ها زائیده سوء سیاست ها و سوء مدیریت ها و باختصار نتیجه فقدان دموکراسی و حاکمیت ملی است. این فقر گسترده در ایران پذیرفتنی نیست. حق ملت ایران با این همه مواهب طبیعی و این همه منابع زیرزمینی و این همه استعداد ذاتی و این موقعیت ممتاز استراتژیک داشتن رفاه و سعادت در سایه دموکراسی و حاکمیت ملی است.

انسانی در روی کره خاک باشد ولی با تاسف واقعیت غیر از این است و اکثریت ملت ایران از نیازهای اولیه انسانی مثل مسکن قابل قبول، غذای کافی و مناسب، کار و اشتغال، استفاده از درمان، استفاده از آموزش و پرورش و تامین اجتماعی محروم است. علت آن چیست؟

علت آن است که این ملت از بیش از یک قرن پیش و از انقلاب مشروطیت تاکنون به جز چند برهه کوتاه و گذرا از آزادیهای اساسی و نتیجتاً از دست یابی به حاکمیت ملی محروم بوده است. آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی احزاب، آزادی اجتماعات و آزادی انتخابات پیش نیازهای لازم برای استقرار حاکمیت ملی است که متأسفانه ما از داشتن آنها جز در برهه هائی کوتاه محروم بوده ایم. ادعای ملی و مردمی بودن حکومتها بدون پذیرش آزادیهای اساسی جز دروغی بزرگ و نیرنگی آشکار چیز دیگری نیست و با فقدان حاکمیت ملی و دموکراسی، همه راههای رفاه و پیشرفت و تعالی بروی ملت بسته است. در سایه آزادیهای اساسی مثل آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و آزادی اجتماعات است که راه های مفسد مالی و غارت ثروت های ملی مسدود میشود. زیرا همانطور که ملک المتکلمین گفت «ریشه هیچ فسادى قطع نمیشود مگر به تیشه ی آزادی». در سایه آزادیهای اساسی است که شایسته سالاری تحقق میابد و از سوء مدیریت ها و سیاست های اقتصادی نادرست و حیف و میل اموال عمومی و بذل و بخشش های خودسرانه جلوگیری میشود. در سایه حاکمیت ملی است که دروازه های کشور اینگونه با بی پروائی به روی کالاهای به دردخور چینی باز نمیشود و سالیانه میلیاردها دلار از ثروت این ملت به کیسه چینی های طماع و بنجل ساز ریخته نمیشود و با این سیاست نابخردانه هزاران کارگاه تولیدی کوچک و بزرگ در ایران به تعطیلی کشانیده نمیشود و تولید داخلی ما به ورطه سقوط آزاد نمی افتد و میلیون ها نفر از جوانان این کشور بیکار نمیگردند. براستی این واردات سرسام آور از چین که تمام

میهن ما ایران سرزمینی است باستانی با فرهنگ و تاریخ کهن و قدمتی چند هزار ساله با وسعت یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع که مساحت آن یک درصد کل خشکی های جهان را تشکیل میدهد و در منطقه ای استراتژیک در چهارراه ارتباطی آسیا به اروپا و آفریقا واقع شده است. این سرزمین دارای آب و هوای بسیار متنوع و در نتیجه برای تولید انواع محصولات کشاورزی مستعد است و قادر به تامین غذای جمعیتی ده ها برابر جمعیت این کشور است و میتواند صادر کننده عمده مواد غذایی باشد. این کشور برای دامپروری سنتی و صنعتی بسیار مناسب است و زمینه هائی خیلی بیشتر از آنچه امروز استفاده میشود دارد. وطن ما در شمال و جنوب مرزهای آبی طولانی حدود دو هزار و هفتصد کیلومتر دارد که علاوه بر امکان استفاده از راههای دریایی و بندرگاه ها، امکان بهره مندی از منابع دریایی و آب زیان مختلف را نیز دارد. سرزمین ما پانزده درصد از ذخایر نفتی و پانزده درصد از کل منابع گاز جهان را در دل خود جای داده است. علاوه بر آن از معادن گوناگون مانند آهن و مس و طلا و اورانیوم و غیره برخوردار است. کشور ما حدود هفتاد میلیون جمعیت یعنی یک درصد جمعیت کل جهان را داراست که اکثریت آن را جوانان زیر ۳۵ سال و نیروهای کار بالقوه تشکیل میدهند. ملتی با ضریب هوشی بالا بطوریکه تحصیل کردگان و متخصصین ما در اکثر نقاط جهان در مشاغل و مناصب علمی و دانشگاهی برجسته قرار دارند. کشور ما دارای جاذبه های توریستی بسیار و در برخی موارد منحصر به فرد است که قطعاً میتواند بخش قابل توجهی از درآمدهای توریستی جهان را به خود اختصاص دهد. آیا در کشوری با این مشخصات و این امکانات این فقر گسترده پذیرفتنی است؟

بدون شک و بلا تردید پاسخ این سؤال منفی است و برای چنین کشوری نه تنها فقر قابل قبول نیست بلکه این ملت باید جزو مرفه ترین و خوشبخت ترین جوامع

هدفمند کردن یارانه ها تسلط بیشتر دولت بر توزیع و تحت کنترل و نظارت در آوردن مردم

برای ایام خاص و کارهای بسیار ضروری منتفی شود. یعنی اتوبوس، مترو، راه آهن، تراموای جای اتومبیل را بگیرد ولی تولید سالانه حدود ۱۳۵۰/۰۰۰ اتومبیل تحت ۴۰ تا ۵۰ نام توسط دهها شرکت متعلق به افراد سرشناس و بسیار ثروتمند نشان میدهد که موفقیت در زمینه این هدف بسیار ناچیز بوده است و آلودگی هوای تهران و شهرهای عمده در ماههای اخیر حاصل سود محوری خودروسازان و بسی توجهی سیاست یازان برای مردم عادی بوده است.

در مورد هدف سوم یعنی بهبود تکنولوژی مصرف نظر این بوده که با گازی کردن اتومبیل ها، استفاده از موتورهای با تکنولوژی برتر متوسط مصرف کیلومتر-لیتر تقریبا به نصف تقلیل یابد (حدود ۸ لیتر بنزین برای صد کیلومتر) تکنولوژی ساخت منازل، ساختمانهای اداری و تجاری، لوازم برقی و گازی خانگی و غیره طوری بهبود یابد که مشابه کشورهای اروپایی شود و در این زمینه نیز علیرغم بحث زیاد پیشرفت ناچیز بوده است.

با این پیش زمینه ها قانون هدفمند کردن یارانه ها در ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ در ۱۶ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و ۱۱ ماه قبل به دولت ابلاغ شده است.

این قانون به دولت اجازه میدهد تا پایان برنامه پنجساله پنجم قسمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع و سایر مشتقات نفت را با لحاظ کیفیت حامل ها و هزینه های مترتب (حمل و نقل، توزیع و...) تا ۹۰ درصد قیمت فوب (روی کشتی) خلیج فارس افزایش دهد. (ماده ۱ الف) قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی ۹۵ درصد قیمت فوب، گاز مصرف داخلی ۷۰ درصد قیمت گاز صادراتی، قیمت خوراک سوختی واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی ۶۵ درصد قیمت سبب صادراتی در مبداء خلیج فارس خواهد بود، قیمت آب و کارمزد جمع آوری فاضلاب طوری تعیین شود که در پایان پنج سال قیمت تمام شده از مردم گرفته شود (ماده ۳ بند الف) دولت باید طی پنج سال یارانه گندم، برنج، روغن، شیر، شیر خشک، خدمات پستی، خدمات هواپیمایی و خدمات ریلی (مسافری) را هدفمند کند (ماده ۴) یارانه آرد و نان به میزان تعیین شده در بودجه سالانه در اختیار مصرف کنندگان متقاضی قرار گیرد.

از کل درآمد خالص حاصل از این اقدامات ۵۰ درصد بصورت یارانه نقدی و غیرنقدی به خانواده ها، اجراء نظام تامین اجتماعی اختصاص یابد.

کمک به تامین مسکن، مقاوم سازی مسکن و اشتغال و اجراء برنامه های توانمندسازی و برنامه های حمایت اجتماعی، ۳۰ درصد خالص و جوه به پرداخت کمک های بلاعوض یا یارانه سود تسهیلات داده شده به (۱) بهینه سازی انرژی واحدهای تولیدی، خدماتی، مسکونی و تشویق صرفه جویی (۲) اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی جهت افزایش بهره وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر (۳) جبران بخشی از زیان شرکت های آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی، فرآورده ها، شهرداریها... (۴) گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی (۵) حمایت از تولید کنندگان بخش کشاورزی، حمایت از تولید نان صنعتی و... و ۲۰ درصد درآمد خالص و جوه حاصل بمنظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه ای و تملک دارائی های سرمایه ای (دولت) اختصاص می یابد.

صرف نظر از ریزه کاریهای مندرج در قانون نحوه گرفتن و خرج کردن درآمدها، آنچه در دو سال اخیر مورد نظر این دولت بود کسب حدود ۴۰/۰۰۰ میلیارد تومان (حدود ۴۰ میلیارد دلار) درآمد تازه و خرج آن مطابق دلخواه و تصمیمات خود دولت است. کما اینکه از ۵ ماه قبل از تصویب قانون یعنی از ۱۸ ماه قبل دولت به دلخواه بنزین را بطور آزاد لیتری ۴۰۰ تومان یا ۵ برابر نرخ های سال ۱۳۸۷ می فروشد و تا بحال معلوم نیست دولت چقدر در درآمد اضافی داشته و این پولها کجاست؟ ۱۱ ماه است که در مورد قیمت بنزین و فرآورده ها تعیین تکلیف کارت سوخت و سهمیه ها، زمان آغاز اجراء قانون، پرداخت نقدی یارانه ها، مبلغ آن، تعداد دارندگان یا دریافت کنندگان یارانه بحث میشود و تا امروز هیچ کس از جزئیات برنامه های دولت خبر ندارد ولی یک نکته از طرز کار دولت و دولتیان روشن است و آن سرگرم کردن مردم مخصوصا طبقات پایین جامعه با این اخبار و شایعات و امیدوار و دلخوش نگاه داشتن آنان به کرامات دولت و دولتیان است در حالیکه در ۱۱ ماه اخیر هزینه خرید کالاها برای مصرف کننده حداقل ۱۴ درصد افزایش یافته و اجراء قانون هدفمند کردن که مصرف کننده ایرانی را مجبور می کند نفت و گاز و برق را بر مبنای قیمت خلیج فارس تعیین شده بر پایه قدرت خرید مردم اروپا و آمریکا (۱۰ برابر قدرت خرید مردم ایران) بپردازد قیمت ها تدریجا حدود ۲۸ درصد دیگر افزایش می یابد. این افزایش قیمتها حدود ۱۶۰ میلیارد دلار به هزینه کل مردم، بخش خصوصی و دولتی تحمیل میکند که ۴ برابر حداکثر افزایش درآمد دولت از اجراء قانون هدفمند کردن یارانه ها است. تضاد بین افزایش واقعی هزینه ها، درآمد دولت، مصوبات مجلس و عدم تعادل بین دخل و خرج مردم طبقات پایین در شرایط خودمحوری دولت، گرفتاری کل جامعه در کوتاه مدت حاصل اجراء قانون هدفمند کردن خواهد بود.

یارانه یا سوبسید پرداخت قسمتی از هزینه تولید یا خرید کالا یا خدمات توسط دولت بمنظور فروش یا ارائه کالا و خدمات به مردم یا بخش خاصی از اقتصاد و تولید است. هدف اصلی دادن یارانه کاستن بار هزینه خانواده یا تولید کننده بدلیل نداشتن قدرت خرید یا نداشتن امکانات رقابتی در شرایط عادی بازار است. احساس مسئولیت دولت در قبال مردم مخصوصا طبقات فقیر یا بخش خاصی از اقتصاد علت پیدایش یارانه ها بوده است.

در ایران از قدیم دولت ها نسبت به قیمت ارزاق عمومی مخصوصا نان احساس مسئولیت کرده اند و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که گران فروشی یا کم فروشی نانویان، قصابان یا کالای نامرغوب فروختن با مجازات های سنگین و گاه ناعادلانه توسط حکومت مواجه میشد.

در زمان ما از سال ۱۳۱۱ بموجب قانون دولت مکلف شد که نسبت به خرید و ذخیره گندم و تثبیت قیمت نان برای مواقع بحرانی اقدام کند و این قانون و قوانین مشابه در سالیهای جنگ (۱۳۲۳-۱۳۱۸) و قحطی های پس از آن (سالیهای ۱۳۲۸-۱۳۲۴) همه دولتها و شهرداریها و سازمانهای دولتی مثل سازمان غله و نان و اصناف را در کار تهیه و توزیع و قیمت گذاری کالاهای ضروری درگیر کرده بود. از زمان انقلاب نفتی اوپک و چهار برابر شدن درآمدهای ارزی دولت و رسوخ بی بندوباری در هزینه ها، ظهور فشارهای تورمی و نارضایتی مردم سبب گردید که دولت از یک طرف بخواهد قسمتی از درآمد نفت را واقعا به سر سفره مردم بیاورد و کالاهای اساسی را به قیمت ارزان در اختیار مردم بگذارد (مخصوصا کودکان و نوزادان-اطفال دبستانی) و ثابا با درست کردن صندوق حمایت از مصرف کنندگان موضوع عرضه و تقاضا و قیمت مایحتاج عمومی را تحت نظارت و حمایت خود داشته باشد. در سال ۱۳۵۶ صندوق حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان جایگزین صندوق فوق شد. بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مخصوصا با شعارها و اهدافی که در قانون اساسی درباره عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها ذکر شده بود جو کمبود و گرانی در کلیه زمینه ها و کلیه کالاها در جامعه حاکم شد و دولت امر تهیه و توزیع کالاهای اساسی را با تاسیس ستاد بسیج اقتصادی در سال ۱۳۵۹ بعهده گرفت و سیستم توزیع ضروریات زندگی مخصوصا کالاهای اساسی (نان، برنج، روغن، دارو، شیرخشک، سموم دفع آفات، بذر و...) از طریق توزیع کوپن و فروش کالا با قیمت ثابت پایه گذاری شد. البته توزیع کالاهای کوپنی غیر از توزیع کالاها از طریق مراکز تهیه و توزیع کالاهای صنعتی، مواد اولیه و کالاهای واسطه، کامیون، وانت و ماشین آلات و غیره بود که چندین وزارتخانه سیاست گذاری و مدیریت آن را بعهده داشتند که همراه با سایر عوامل ثروت یابی و ثروت اندوزی فساد عظیمی را در کل کشور بوجود آورد و عامل پیدایش طبقه ثروتمند نوکیسه ای در جامعه شد که امروز حوزة کار و فعالیت آنها در کل اقتصاد مشهود است. طبق آمارهای موجود در اواخر دهه ۱۳۷۰ دولت سالانه حدود ۹ میلیارد دلار برای دادن سوبسید به کالاهای اساسی هزینه میکرد. این یارانه ها غیر از تهیه و توزیع و فروش فرآورده های نفتی در بازار داخلی با کالا برگ با قیمت های بسیار نازل بود که هزینه واقعی آن به دهها میلیارد دلار می رسید مثلا دولت برای واردات و تامین بنزین مصرف اتومبیل ها، حدود ۱۵ میلیارد دلار می پرداخت و این امر غیر از تامین سوخت نیروگاهها و کارخانجات است که گاز تقریبا مجانی به آنها واگذار می گردید. دادن یارانه بطور عام و آزاد به کالاها منطق عرضه و تقاضا و قیمت و کلیه حساب و کتاب های ذهنی مصرف کننده را از بین میبرد و همیشه خرید، مصرف، انبار کردن و بالاتر از همه قاچاق کالاهای یارانه ای به بازارهای اطراف کشور را تشویق میکند. مثلا دو سال پیش که بنزین لیتری ۸۰۰ ریال فروخته میشد روزانه ۴۰۰ کامیون (با ظرفیت حدود ۲۰ هزار لیتر) به پاکستان قاچاق میشد. بازار افغانستان و کردستان عراق محل عرضه بسیاری از کالاهای سوبسید دار ایرانی بود (مخصوصا دارو). بحث هدفمند کردن یارانه ها از سال ۱۳۶۸ مطرح بود و ۱۰ سال طول کشید تا در سال ۱۳۷۸ بطور اصولی و منطقی در برنامه سوم توسعه مطرح گردید.

منظور از هدفمند کردن آن بود که (۱) کمک به افراد نیازمند که قدرت خرید ندارند پرداخت شود (۲) کمک بر سیاستها و برنامه هایی داده شود که نیاز به مصرف را کاهش دهد (۳) کمک به مطالعات و تحقیقات و برنامه هایی داده شود که تکنولوژی تولید ماشین آلات و ابزار مصرف کننده انرژی را بهبود بخشد.

در مورد گروه اول تجربه کشورهای رفاه محور نشان میدهد که شناخت طبقات محروم، افراد هدف در هر گروه، مدت دادن کمک، طرق کنترل و جلوگیری از سوء استفاده و اتلاف و کوشش برای ارتقاء موقعیت اجتماعی و شغلی هر دسته امری بسیار پیچیده، فنی و محتاج استفاده از برگزیده ترین کارشناسان در سطح جهانی است و دادن پول نقد بدترین سیاست توزیعی است مخصوصا اگر توزیع در دست مقامات سیاسی باشد.

در مورد هدف دوم پیش بینی شده بود که سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری و سراسری به خوبی بهبود یابد که نیاز به استفاده از اتومبیل و وسیله نقلیه شخصی جز

بیست و دو بهمنی دیگر

یادی از آقای حسین راضی
عضو فقید شورای مرکزی جبهه ملی ایران

انجام نیست بیکاری روند صعودی خود را طی میکند و زندگی اکثریتی از مردم ایران برابر آمار رسمی زیر خط فقر است. کسی پاسخ گوی این سؤال نیست که میلیاردها دلار درآمد حاصله از فروش نفت به کجا رفته است. دیوان محاسبات کشوری که مرجع رسمی رسیدگی به مخارج دولت است از نامعلوم بودن محل خرج میلیونها دلار از درآمدهای نفتی سؤال میکند. خشونت اعمال شده از سوی صاحبان قدرت در ایران نسبت به دگر اندیشان و اقدامات خشونت آمیز دیگری که در همه زمینه های اجتماعی بر مردم وارد میشود آرامش و سلامت روانی جامعه را بیشتر از پیش خدشه دار نموده است. زندانهای کشور پر از دگر اندیشان است و به بهانه های مختلف سالها محرومیت و محکومیت با رای دادگاههای غیر علنی بر عده ای تحمیل شده و این روند همچنان ادامه دارد. نقض حقوق بشر و بی توجهی به اعلامیه جهانی حقوق بشر را در روشهای جاری حکومت بطور مداوم ملاحظه میشود و از سوی مجامع بین المللی پیوسته مورد اعتراض میباشد. ممنوعیت های وارد شده بر رسانه های گروهی بویژه در سالهای اخیر کم نظیر و گاه بی نظیر بوده است. از دوسال پیش و در پایان انتخابات ریاست جمهوری سیاست حاکمیت بر سر کوب بی رحمانه معترضان به انتخابات متمرکز گردید که هنوز هم ادامه دارد. خودیهای حکومت هم بسیاری از صحنه سیاسی حذف و یا به زندانها گسیل داده شدند. اوضاع اقتصادی کشور با برنامه هایی که بسیاری از صاحب نظران اقتصاد قابل قبول نمیدانند نا بسامان است. اقتصاددانان آنرا نگران کننده میدانند. آنچه امروز باید یادآوری کرد اینک: تحولات علمی و صنعتی و اجتماعی جهان حرکت بسوی آزادی و دمکراسی را اجتناب ناپذیر ساخته است و ایران نیز نمیتواند با تحولات جهانی بیگانه باشد. دولتهای اقتدار گرا باید از آنچه در دنیا میگذرد بیاموزند که راه سعادت ملت‌ها فقط با احترام به حقوق انسانها و اصول دموکراسی هموار خواهد شد.

سی و دوسال پیش ملت ایران برای کسب آزادی به پا خاست و پایه های سلطنت استبدادی را فرو ریخت. امید بر آن بود که با پیدایش آرامش پس از هیجانات اولیه انقلاب مردم ایران با دوستی ها و صمیمیت هائی که در آن ایام میان مردم ایجاد شده بود حرکت بسوی بنای ایرانی آزاد و مستقل را آغاز نمایند و جلوه هایی از سعادت ملت ایران در زمینه های سیاسی و اجتماعی، و اقتصادی تا مین گردودرد آن صورت ملت ایران میتوانست پس از سی و دوسال بر آنچه در ایران زمین گذشته است احساس غرور و افتخار کند، اما افسوس و دریغ که چنان نشد... در کوتاه مدت استبدادی تازه نفس بجای استبداد کهن نشست. در نگاهی به وقایع سال ۱۳۵۹ به بعد مشاهده میشود که چگونه آزادی به بند کشیده شد که هم امروز هم ادامه دارد. اگر در سالهای نخست بعد از انقلاب اندک امیدی به رسیدن به آزادیهای بشری بود این امید از صحنه رخت بر بست و باز هم آزادیخواهان ایران نا خواسته به جایگاه دیرین خود که فغان از بی عدالتی و خشونت، نبودن آزادیهای فردی و اجتماعی بود باز گشتند و برای وصول آزادی بسی هزینه ها داده و خواهند داد. بر قدرت نشستگان در ایران از ملت ما در برابر جهانیان سیمائی خشن ترسیم کردند. بنحوی که در هر گوشه دنیا وقتی جنبشی مردمی آغاز میشود، این نگرانی شنیده میشود که آیا این جنبش در حال رسیدن به اقتدار بسر نوشت جنبش ایرانیان می انجامد. حاکمیت در ایران تبلیغات گسترده ای در اقصا نقاط دنیا کرده است تا چهره مناسبی از آنچه بر ایران گذشته ارائه نماید. هر چه تبلیغات بیشتر شده است ناپاوری جهانیان نیز افزایش یافته است. بعضی از کشورهای جهان ضمن بهره بردن از کمکهای مادی ملت ایران دیده میشود که در مواقع لزوم هم ایران را یاری نکرده و به انزوای دولت در عرصه سیاست های دنیا کمک کرده اند. گرچه اقداماتی بی نتیجه در داخل کشور برای توسعه صورت گرفته ولی کیست که نداند هیچگونه توسعه ای بدون توسعه سیاسی و برقراری دموکراسی قابل

در گذشت دکتر منوچهر سماک عضو قدیمی سازمان پزشکان جبهه ملی ایران

دکتر منوچهر سماک پزشک مردم دوست و آزاداندیش که از سال ۱۳۴۰ تاکنون به مدت ۵۰ سال در سنگر جبهه ملی ایران به دفاع از آزادی و حاکمیت ملی پرداخته بود عصر روز چهارشنبه بیستم بهمن ۸۹ در سن شصت و هشت سالگی بطور ناگهانی دار فانی را وداع گفت و به رحمت ایزدی پیوست. او مردی شرافتمند و آزادیخواه و دانشمندی فرهیخته و پزشکی مردمی و میهن دوست بود. وفقدان ناگهانی او حزن و اندوه سنگینی را برای دوستان و همفکرانش بدنبال داشت. یاد و خاطره اش گرمی و نامش جاویدان باد.

سپهر
تجهم‌ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliiran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com